

انتقال فکر

آیا انسان جز پنج حس معروف حس ششمی هم دارد؟

روز ۲۵ ژوئیه ۱۹۵۹ که زیر دریایی آتمی نوتیلوس (Nautilus) عازم سفر بود، مسافر مرموزی بسر نشینان آن کشتی افزوده شد. کشتی فوری برآه افتاد، و مدت ۱۶ روز در اعماق اقیانوس اطلس بسیر و سیاحت پرداخت. مسافر بی نام در یکی از اطاق‌های زیر دریایی زندانی شد. فقط جاشویی که برای اوغذامیبرد و آن‌درس (Anderson) ناخدای کشتی که هر روز از او دیدن می‌کرد، کس دیگر او را نمی‌دید. روزی دوبار مسافر مرموزیک بر گه کاغذ بآندرسن تحویل می‌داد. روی این برگه پنج شکل مختلف مرسوم بود. یک صلیب، یک ستاره، یک حلقه، یک مربع و سه خط موجی. ناخدا اندرسن و مسافر ناشناس روی هر برگه را امضا می‌کردند بعد ناخدا برگه امضا شده را با دو قطعه کاغذ دیگر که بر روی یکی ساعت و تاریخ ثبت شده بود و روی دیگری نوشته بود، «بسیار محرمانه، باید هنگام خطر از بین برده شود». این صفحات هر روز دوبار در ساعت معین در پاکت مخصوصی گذاشته شده مهر و لاک می‌شد. دهم اوت ۱۹۵۹، زیر دریایی در کرویتون (Croyton) پهلو گرفت. مسافر مرموز از کشتی پیاده شد و در یک اتومبیل دولتی سوار شده تحت‌الحفظ بنزدیکترین فرودگاه نظامی تحویل گردید.

ساعتی بعد، هواپیمایی در فرودگاه کوچک شهر فریندشپ (Friendship) واقع در مری‌لند (Maryland) یکی از ایالات متحده آمریکا بزمین نشست. اتومبیلی که در انتظار مسافر ناشناس بود او را در مقابل عمارتی که دارای تابلویی بدین مضمون بود «مرکز تحقیقات ویژه ویستینگ هوز [Westing house]». ورود بدون اجازه ممنوع است» پیاده کرد. مسافر بقراول گفت میخواهد با ویلیام بور (William Bovvers) رئیس قسمت علوم زیست شناسی اداره تحقیقات نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا ملاقات کند. سرهنگ بور که در دفتر خود منتظر بود فوری او را پذیرفت. همینکه مسافر ناشناس وارد شد، سرهنگ بور با اجازه نشستن داده گفت: ستوان جونز (Jones) آیا بسته را همراه دارید؟

جونز بدون گفتن کلمه‌ای، بسته را بسرهنگ تسلیم کرد. سرهنگ بسوی صندوقی رفته آنرا گشود، و از آن بسته‌ای نظیر بسته جونز بیرون آورد، با این تفاوت که بسته جونز مهر و لاک «زیر دریایی نوتیلوس» را داشت، و بسته جدید با مهر «مرکز تحقیقات فریندشپ، مری‌لند» مهر شده بود. سرهنگ بور هر دو بسته را گشود و پاکت‌های کوچک را از درون آن بیرون آورده باز کرد. سپس هر دو مشغول شدند بر گه‌هایی که در دو بسته دارای تاریخ مشابه بودند کنار یکدیگر گذاشتند و بمقایسه پرداختند. هفتاد درصد تصویرهای برگه‌های هم تاریخ از حیث رسم و ترتیب باهم شبیه بودند. ویلیام بور با شگفتی تمام گفت: «ما هم اکنون در راه یکی از تحولات تاریخی هستیم، برای نخستین بار در جهان، با شرایطی که هیچگونه تصور حیل در آن نمیرود، عمل انتقال فکر آدمی در فضا، بدون هیچ رابطه مادی، بطور قابل توجهی از مغزی بمنز دیگر انجام شده است!»

ستوان جونز و اسمیت (Smith)

آزروز که اجازه داده شود دو نفری که در این آزمایش شرکت داشته‌اند شناخته شوند ، مسلماً نام آنان در تاریخ علوم ضبط خواهد شد .
 فعلاً این دو نفر : « ستوان جونز » افسردریایی و « آقای اسمیت عامل دیگر » محصل دانشکده‌یی در ایالت کارولین شمالی امریکاست .

اسمیت در مدت ۱۶ روز که آزمایش انجام شد در اطاقی که قدم از آن بیرون نمی‌گذاشت ، روزی دوبار در ساعت معین بمقابل دستگاه خودکاری که ورقهای بازی را برمی‌زند قرار می‌گرفت . در درون این دستگاه هزاران ورق زیرورومیشد . اما این برگه‌ها ورق بازی معمولی نبود ، بلکه برگه‌هایی بود موسوم به برگه‌های زنی (Cartes de zener) این برگه‌ها مدت‌هاست در آزمایشهای روانی « Parapsychologie یا پاراپسیکولوژی » بکار می‌رود . این برگه‌ها همه یک رنگند و روی هر یک از آنها یکی از این پنج علامت : سه خط موجی ، حلقه ، صلیب ، مربع ، ستاره ، رسم شده است . هر روز دوبار در ساعت معین ، دستگاه برزنده که بدستگاه ساعتی متصل است ، در هر دو دقیقه یک برگه بطور تصادف بیرون می‌انداخت . اسمیت با دقت باین برگه خیره میشد و کوشش می‌کرد که فوری بدان شکل بیندیشد . در همین لحظه ، فاصله دو هزار کیلومتر ، بزیر صدها متر آب در عمق اقیانوس ، ستوان جونز حدس میزد برگه‌ای که اسمیت نگاه میکند دارای چه علامتی است و آن را یادداشت می‌کرد و برگه آزمایش را بامضای اندرسن ناخدای کشتی می‌رساند . هفت در ده حدس جونز مطابق با واقع درآمد . در این آزمایش جای احتمال هیچگونه خنده و حیل نبود . بفرض تصور محال همدستی و حقه بازی هیچ گونه رابطه ممکن نبوده است بین زیردریایی فرورفته در عمق دریا و آزمایشگاهی که اسمیت منزل داشته برقرار باشد ، چه امواج بی‌سیم هم نمیتوانند در چند صد متر زیر آب داخل شود . برای اولین بار در تاریخ آزمایش غیرقابل خدشهای انجام شده است که امکان ارتباط دو مغز آدمی را در فاصله زیاد نشان می‌دهد . چنان می‌نماید که مطالعه پاراپسیکولوژی نیز بتدریج در آستانه علم وارد شده است .

گزارش راند (Rand)

باید دانست که ضرورت و احتیاج نظامی موجب این کشف عظیم شده است . از آغاز سال ۱۹۵۷ مؤسسه مشهور راند که متصدی تجسسات و تحقیقات بسیار نهانی دولت امریکاست گزارشی به ایزن‌هاورزیس جمهور امریکا فرستاد : « وسائل برقراری ارتباط با زیردربانیها که تاکنون مورد استفاده بوده در زیردربانیهای جدید که در آب فرو می‌روند ، خصوصاً موقعی که در زیر نواحی قطبی هستند ، بی‌اثر است . باید وسائل جدیدی را مورد آزمایش قرار داد . » یک سال گذشت و گزارش راند بهیچوجه تعقیب نشد . مشاوران علمی ایزن‌هاورزیاد « میزگردان » احضار ارواح افتاده بودند . اسویتینک نخستین روسها بجولان آمد و آنگاه که « پیپ - پیپ » آن از بالای زمین زنگ هشدار را بگوش جهانیان رسانید ، بزرگترین دانشمندان امریکا بجنب و جوش افتادند و نظر دادند که موقع آن رسیده که بهمه وسائل متشبه شد ، حتی آنچه روسها خفیف می‌شمارند . دانش امریکائی عقاید عامه را بکمک طلبد . ۱۳ ژوئیه ۱۹۵۸ ، روزنامه نیویورک هرالد تریبون - New York Herald Tribune - مقاله‌ای بقلم آنسل ا. تالبر Ansel E. Talbert بزرگترین خبرنگار نظامی امریکا انتشار داد .

خبر نگار من بود نوشته بود ، « بر نیروی نظامی ایالات متحده لازم است تحقیق کند که آیا نیرویی که از مغز انسانی تراوش می کند ، ممکن است در هزاران کیلومتر فاصله بمغز انسان دیگری تأثیر نماید ... »

« باید توجه داشت که این موضوع کاملاً جنبه علمی دارد ، و نمودهایی که مشاهده شده ، همانند است با آنچه که در ساختمان موجود زنده حاصل میشود ، عبارت دیگر تبدیل مواد غذایی بانرژی ، در اثر احتراق ، شبیه بهمین گونه نموداست ... »

« توسعه و بسط این نمود وسیله خواهد شد که بین زیردریایها و خشکی ارتباط برقرار کرده حتی ممکن است ، روزی ، از این وسیله برای ارتباط بین زمین و ناوهای فضایی که بین سیارات سفر می کنند استفاده کرد . »

پس از نشر این مقاله و گزارشهای متعددی که از دانشمندان بر تأیید گزارش راند رسید ، تصمیمات لازم اتخاذ شد . آزمایشگاههای متعدد برای مطالعه در علم جدید پاراپسیکولوژی در نقاط مختلف امریکا تأسیس گردید ، حتی در مرکز تجسسات نظامی ردستون Redstone . در این مرکز آزمایشگاهی که در آنجا انتقال فکر مطالعه میشود از دفتر کار « فون برون » مرد فضایی معروف بیش از ۵۰۰ متر فاصله نیست . هم اکنون فتح ستارگان آسمانی و فتح فکر انسانی نزدیک شده است .

از صفر آغاز کردند

در مدت کمتر از یک سال ، این آزمایشگاههای مجهز ، بیش از قرنها تحقیقاتی که درباره انتقال فکر بعمل آمده نریخش بوده است . دلیل آن بسیار ساده است ، این تحقیقات و تجسسات را بدون هیچگونه توجه بسوابق این موضوع از صفر شروع کرده اند . کمیسیونهایی برای تحقیق از امریکا بهمه جا فرستاده شده است ، کمیسیون مأموران انگلستان در آنجا با دانشمندان معروف تماس گرفته و بتحقیق درباره ارتباط و انتقاد فکر پرداخت . دکتر سوال Soal ، از دانشگاه کامبریج ، ارتباط مغزی دو معدنچی جوان که چند صد کیلومتر از یکدیگر فاصله داشتند باعضاء کمیسیون نمایش داد . در آلمان کمیسیون تحقیقات با دانشمندانی مانند هانس بندر Hans Bonder و پاسکوال جوردن Pascual Jordan که مقام علمی ایشان غیر قابل تردید است ، ملاقات کرد . این دانشمندان نمود های انتقال فکر را محقق و مسلم می دانستند و باکی نداشتند که این موضوع را کتباً تصدیق کنند . در خود امریکا نیز ، امتحانات متعددی انجام گرفت . یک دانشمند چینی مقیم نیویورک موسوم به دکتر چینگ یو وانگ Ghing yu wang توانست بکمک همکاران چینی خود بکارشناسان مربوط آزمایشهای آشکاری نشان دهد که کاملاً ارتباط فکر را ثابت میکرد .

در پاراپسیکولوژی چگونه عمل می کنند ؟

اکنون ببینیم ترتیب عملی که انجام میشود تا چنان نتیجه شگفتی ، از آنگونه که از آزمایش ستوان سونزو اسمیت بدست آمد ، حاصل شود .

برای این کار باید یک جفت آزمایشگر ، یعنی دو عامل یکی فرستنده و دیگری گیرنده برگزید . این دو عامل را طوری انتخاب می کنند که بین مغزشان نوعی هم آهنگی وجود داشته باشد که در این صورت نتیجهای که بدست می آید حقیقه قابل توجه خواهد بود .

آنچه در عملیات جدید مشاهده شده است این ارتباط « یک طرفه » انجام میشود . چنانچه عامل گیرنده عمل فرستنده را انجام دهد یا بالعکس ، هیچگونه نتیجهای بدست نخواهد آمد . بنابراین

اگر بخواهند ازدوسوارتباط برقرار باشد ، باید دو « جفت » فرستنده و گیرنده انتخاب کرد . بعبارة اخرى باید يك عامل فرستنده و يك عامل گیرند در زیر دریا بی باشد و يك عامل فرستنده و يك گیرنده در آزمایشگاه زمینی .

معتقد و غیر معتقد

چگونه این عامل‌ها را انتخاب می کنند ؟ فعلا این موضوع از اسرار است . آنچه که تاکنون فاش شده این است که مغز داوطلب را بوسیله دستگاههای الکتریکی مخصوصی آزمایش کرده فعالیت آنرا ثبت میکنند . این فعالیت در علم شناخته شده و با هیچگونه انتشار موجی همراه نیست ، اما نیرویی که مغز بخش می کند قابل تشخیص است . آگری والتر Grey Walter انگلیسی نخستین کسی است که نشان داد میتوان با دستگاه مزبور فعالیت مغزی اشخاص غیر طبیعی را ثبت کرد .

مطلب دیگری راجع باین موضوع بوسیله يك خانم دکتر روانشناس امریکائی روشن شده است . این خانم ثابت کرده است که داوطلبان شرکت در این آزمایش را بدو گروه میتوان تقسیم کرد که او آنان را « گوسفند » و « بز » نام داده است . گوسفندان دسته‌ای هستند که بدرك ماورا حس معتقدند و بزها آن دسته هستند که باین موضوع اعتقاد ندارند . در ارتباطات دور ، چنان بنظر میرسد ، که باید يك گوسفند و يك بز باهم مربوط شوند .

زیرا آن دو خود نمیدانند چه می کنند

آنچه این نوع کار را بی اندازه دشوار میسازد ، آنست که در آن لحظ که از فاصله‌ای بین فکر فرستنده و گیرنده ارتباط برقرار میشود هیچ يك از این دو چگونگی را درك نمی کنند ، ارتباط در سطحی از قسمت ناخود آگاه وجدان صورت میگیرد و از زیر این پرده در وجدان اثری پیدا نیست . فرستنده نمی داند که آیا بیفامش بمقصد میرسد یا نه و گیرنده نیز متوجه نیست علاماتی که بخاطرش میرسد از مغز دیگری فرستاده شده یا خود جعل می کند . بهمین نظر است که بجای اینکه تصویر و شکلهای مفصل یا دقیقی انتقال دهند . فعلا به پنج علامت بسیار ساده بر گهای « زر » اکتفا می کنند . وقتی این انتقال ساده به نتیجه رسید ، آنگاه با آسانی ممکن است از این برگه‌ها بصورت الف بای تلگرافی رمزهایی ترتیب داد و بیفامهای با معنایی فرستاد . اکنون منظور تکمیل روش انتقال فکر و اطمینان پیدا کردن بمیزان صحت آن است . فعلا از جهات مختلف در این راه کار میشود ، و مخصوصاً در جستجوی داروهای هستند که اثر « روانی » داشته و انتقال فکر را تسهیل کند . يك داروساز متخصص امریکائی نتایج اولیه را بدست آورده و در مارس ۱۹۵۷ گزارش آن را با آکادمی علوم نیویورک تسلیم کرده است .

اما نه ستوان جو نزنه اسمیت هیچ يك از داروئی استفاده نکرده اند ، زیرا نظر نیروی نظامی امریکا از آزمایش انجام شده این بود که اصولاً امکان انتقال افکار مغز انسان معمولی را در حال عادی کشف کند . فعلا بجز قهوه که بنظر می آید به نیروی انتقال بهبود می بخشد و آسپیرین که برعکس مانع عمل این نیرو شده آنرا فلج میسازد ، هیچگونه داروئی در آزمایش‌های طرح راند مجاز نیست . این آزمایش‌ها بدون هیچ شکلی صفحه تازه‌ای بتاریخ بشریت و علم خواهد افزود . امید است که آرامش بین المللی در آئینده نزدیکی اجازه دهد که نتایج حاصل از این کشف بطور کامل انتشار یابد .

نویسنده : ژاک برژییه Jacques Bergier

مترجم : احمدراد